



دین و ادیان در جهان معاصر

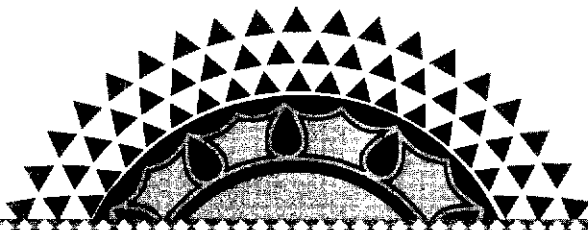
آشنایی با اندیشه‌های محمد طالبی

روشنفکری مسلمان از شمال آفریقا

سودابه کریمی

محمد طالبی یکی از روشنفکران مسلمان شمال آفریقا است. او در سال ۱۹۲۱ در تونس متولد شده، همان جا رشد و پرورش یافت و مدارج دانشگاهی را پیمود. سپس برای ادامه‌ی تحصیل در رشته‌ی تاریخ آفریقای شمالی، عازم پاریس شد. وی پس از تکمیل این دوره به وطن بازگشت تا چشمگیرترین حرکت روشنفکری را آغاز کند. طالبی ضمن آن که محقق برجسته در زمینه‌ی تاریخ سده‌های میانی شمال آفریقا بود، دو جریان دیگر را نیز درباره‌ی تفکر جدید اسلامی "و روابط بین ادیان در دوره‌ی جدید" پدید آورد؛ دو موضوعی که از منظر او اساساً مربوط به هم هستند.

طالبی آثار متعددی در خصوص اسلام جدید و روابط بین ادیان دارد و نیز در فعالیت‌های گوناگون گفت‌وگوی بین ادیان شرکت داشته است. آثار او که به زبان‌های عربی، فرانسه و انگلیسی منتشر شده‌اند، به لحاظ سطح تخصصی و جزئیات فنی متفاوت و به همین دلیل در مجموع برای قشر وسیعی از خوانندگان گیرا و جالب‌اند. از میان آثار طالبی به زبان عربی، دو کتاب *عیال الله و امت الوسط*، که معرف نظرات اصلی وی هستند، به لحاظ فکری بیشترین چالش را به وجود آورده‌اند.



اسلام در دوران جدید

طالبی در این دو کتاب، همچون بسیاری دیگر از آثارش، مستقیم یا غیرمستقیم به ابعاد مختلف رابطه‌ی دین و سیاست در اسلام اشاره دارد. به اعتقاد او رابطه‌ی دین و سیاست یکی از چهار موضوع اصلی مربوط به اسلام دوران ماست. دیگر موضوعات عبارت‌اند از: تفسیر قرآن و سنت، معرفت دینی و بحث و گفت‌وگوی دینی. با این حال به نظر می‌رسد که بحث و گفت‌وگو برجسته‌ترین موضوع در آثار طالبی است؛ چه گفت‌وگوی درونی اسلام و چه گفت‌وگوی اسلام با دیگر ادیان.

به طور کلی شیوه‌ی تفکر و نگرش طالبی را می‌توان تجربه‌گرایی محتاطانه‌ای دانست که با اعتقاد راسخ به حقایق بیدهی و مسلم مربوط به انسان، در آمیخته است. این حقایق یا از منابع مقدسی چون قرآن و کتب حدیث نشئت گرفته‌اند یا از دیگر منابع (تعریف نشده‌ی) شناخت به دست آمده‌اند. بنابراین در تفکر و نگرش طالبی کشمکش بین غیرقطعی بودن تجربه‌گرایی و قطعیت کامل حقایق وحی شده وجود دارد. طالبی همچون مورخان تجربه‌گرایی که با غربال کردن شواهد تاریخی به سنجش آن‌ها مبادرت می‌ورزند، در بهترین حالات نتایج بررسی‌هایش را موقتی می‌پندارد. تاریخ بشر بی‌نهایت پیچیده و دایما در تغییر است و نقاط کاملاً ثابت در این صفحه‌ی متحرک انگشت‌شمارند. پدیده‌ی دین نیز چون دیگر ابعاد حیات انسان، از این الگو تبعیت می‌کند و بنابراین باید متناسب با الگوهای علیت تاریخی درک و تحلیل شود. به عقیده‌ی طالبی این مسئله منافاتی با باورهای دینی ندارد و به هیچ وجه آن را نسبی نمی‌کند. بلکه برعکس، تقویت دین تنها با تفسیر و سنجش آن به وسیله‌ی معیار تجربی تاریخ، امکان‌پذیر است.

روش طالبی برای فهم قرآن و کتاب‌های حدیث که خود از آن با عنوان "روش‌شناسی تاریخی" یا "قرائت تاریخی" نام برده است، بر پایه‌ی درک و دریافت متن از طریق بستر تاریخی آن استوار است. آیات قرآن باید در بستر زمان و مکانی که در آن وحی شده‌اند، و نه در جدایی کامل از آن شرایط، معنی شوند. جدا کردن آیات از جایگاه تاریخی‌شان باعث می‌شود که از آن‌ها به نفع مقاصد خاصی استفاده شود و این مسئله امکان بهره‌برداری از آن را به خصوص در دوران ما و برای اسلام‌گرایان سیاستمدار فراهم می‌کند. بنابراین فهم صحیح قرآن در بستر تاریخی، علاوه بر این که ما را قادر می‌کند تا کلام خدا را با همان معنای اولیه‌اش تفسیر کنیم، از کلیت بخشیدن به موضوعات خاص تاریخی نیز جلوگیری می‌کند. البته طالبی به وجود

حقایق مطلق و مسلم در قرآن نیز اعتقاد دارد؛ حقایقی که عمده‌تاً اجتماعی و اخلاقی، و به عقیده‌ی طالبی فرازمانی و فرامکانی‌اند و به همین دلیل راهنمای اخلاقی جامعی را برای نوع بشر در هر مکان و هر زمانی فراهم می‌آورند.

طالبی از تدریجی بودن پیشرفت به این اصل کلی می‌رسد که هر فردی باید یک مجتهد باشد. به نظر می‌رسد که منظور او نه رد تلویحی تقلید - که مطمئناً به قدرت خود باقی است - یا نفی اجتهاد به مفهوم سنتی‌اش، بلکه بیان این مطلب است که هر فرد مسلمانی باید تعقل نقادانه را در همه‌ی امور به کار بندد و بتواند به نتیجه‌ای مستقل دست یابد. همچنین اندیشه‌ی نقادانه، معنای ضمنی پیشرفت فکری به سبک مدرن را در بر می‌گیرد. ظاهراً استدلال طالبی چنین است: ما به تجربه دریافته‌ایم که شناخت افراد غیرقطعی و در حال تغییر است. بنابراین تعالی علمی - معرفتی برای همه‌ی افراد فرایندی تدریجی و زمان‌بر خواهد بود؛ فرایندی که به کمک آزمایش و خطا تحقق خواهد یافت. پس با این ملاحظات افراد باید از تصور حتمیت فکری - که واهی و غیرواقعی است - و نیز خطر ملازم آن یعنی پرورش تعصب، دست کشیده در حیات فکری خویش ماهیت تجربی و موقتی بودن این جریان را بپذیرند.

بنابراین طالبی مشکل اصلی را جزمی بودن افراد و گروه‌ها در صحت و درستی دیدگاه‌های خاص خود و نادیده گرفتن دیگر نگرش‌ها و عقاید می‌داند. آن چه به عقیده‌ی طالبی بسیار زیان‌بخش و خطرناک است، رد آرای دیگران است. به عبارتی دیگر هر فردی باید به دیگران نیز حق بیان دیدگاه‌هایشان را بدهد و آن را مجاز و قانونی به حساب آورد. در این صورت حتی می‌توان پذیرفت که شخص نظر خود را عین حقیقت بداند؛ هر چند چنین چیزی موافق عقل نیست. به عقیده‌ی طالبی انسان‌ها طبیعتاً و به حق در نگرش‌هایشان متفاوت و گوناگون هستند. این ویژگی (اختلاف) بخشی از طبیعت انسانی است که خدا در وجود او به ودیعه نهاده است. این حقیقت در درون اسلام به شکل مذاهب گوناگون و در بیرون آن به صورت ادیان متفاوت تجلی یافته که همانا تجلی نقش‌های گوناگون خداست. مشکل زمانی ایجاد می‌شود که افراد، گروه‌ها یا ادیان، حق دیگران را در بیان دیدگاه‌هایشان انکار کرده، نپذیرند که آن نگرش‌ها نیز از ارزشی معادل ارزش نگرش آن‌ها برخوردار هستند.

راهی که طالبی برای مسلمانان، چه در روایط درون اسلام و بین مذاهب مختلف اسلامی و چه در

ارتباطشان با ادیان دیگر پیش می‌نهد، پایه‌ریزی احترام متقابل برای نیل به کثرت‌گرایی است. به اعتقاد او این امر متضمن تبدیل اختلاف طبیعی - مورد تأیید خداوند - در عقاید دینی، به احترام متقابل است که به شدت مورد نیاز جهان امروز است. طالبی گرچه این را برای همه‌ی ادیان لازم می‌داند، بیش از همه به درگیری سیاسی - مذهبی داخل اسلام و رابطه‌ی بین سه دین ابراهیمی اهمیت می‌دهد. به عقیده‌ی او بین این ادیان، بیش از همه اسلام است که خصیصه‌ی بردباری و احترام را از خود نشان می‌دهد. ظاهراً دریافت طالبی از منابع اسلامی این گونه است که اختلاف بین دیدگاه‌های مذهبی خصوصیت طبیعی انسان به شمار می‌آید که نمایان‌گر کشش کلی انسان به کثرت‌گرایی است و می‌تواند به احترام متقابل و گفت‌وگو بینجامد.

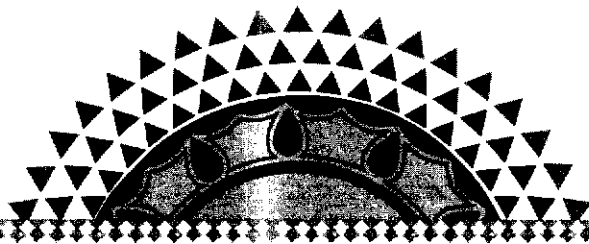
رابطه‌ی اسلام و سیاست

آن چه گذشته مختصری بود از نظرات طالبی در خصوص سه موضوع از چهار موضوعی که به عقیده‌ی من نقش اساسی را در تفکر او بازی می‌کنند. چهارمین مورد، یعنی "اسلام و سیاست"، به تفصیل در کتاب عیال الله مطرح و بیان شده است. او در این کتاب از موضع یک مسلمان روشنفکر، به تلاش‌هایی که خواهان جلوه دادن نهادهای جدید اسلامی به صورت "روایت‌های جدیدتر" سنت‌های گذشته هستند، رویکردی نقادانه دارد.

طالبی در باب این که نهادها و مفاهیم جدید را جلوه‌ای از نهادها و مفاهیم متعارف گذشته بدانیم، بسیار محتاط است و حتی نگاهی شکاکانه دارد. او موافق وجود شباهت‌هایی بین آن‌هاست اما از تأیید کامل آن‌ها امتناع می‌ورزد.

نسبت "شورا" و "دموکراسی" یکی از سه موضوع بحث‌شده در این کتاب است. به گمان وی قبل از هر چیز می‌بایست تعریفی دقیق از ابعاد تاریخی و ذهنی "دموکراسی" و "شورا" ارائه کرد و سپس در پی آن بود که کدام یک بر دیگری مؤثر بوده یا مقدمه و نشانه‌ی دیگری است. از این زاویه ممکن است ثابت شود که خود دموکراسی نیز اشکال ذهنی و عملی بسیاری دارد که همه‌ی آن‌ها آن گونه که معمولاً در ذهن عامه‌ی مردم وجود دارد، دارای معانی ضمنی مثبت نیستند.

«من فراموش نخواهم کرد که دموکراسی غربی در سال ۱۹۶۰ به من گفت که الجزایر بخش جدانشده‌ی فرانسه و جزو قلمرو فرانسه محسوب می‌شود. و من فراموش نمی‌کنم که دموکراسی فرانسه میلیون‌ها الجزایری را با این ادعا که آن‌ها قوانین بین‌الملل را نقض کرده‌اند، به کشتن داد.»



پس با این دموکراسی می‌خواهیم چه کسی را فریب دهیم؟^۱

با تعمق در تاریخ صدر اسلام و توجه به نهاد شورا، طالبی به این دریافت می‌رسد که آنچه در دوره‌ی معاصر در انتظار تجدید حیات است، نه "دموکراسی به شیوه‌ی نخستین آن"، که بعضی حقایق کلی‌تر انسانی است.

«... اما برخی مفاهیم بنیادی، همچون تصور عدالت، در تفکر انسان باقی می‌ماند. حال سؤال این است که آیا عدالت در شیوه‌ها، روش‌ها و مکانیسم‌هایش همان عدالتی است که همیشه بوده است؟ آیا اگر بگوییم اسلام ما را به عدالت فرامی‌خواند، به سنت تاریخ وفادار مانده‌ایم؟ این سنت تاریخ نیست؛ زیرا مفهوم عدالت یک ارزش معنوی یا نمود خارجی است که از هر توجهی به شکل، منشأ یا محیطی که ممکن است عدالت از طریق آن بر مردم عرضه شود، منفک است.»^۲

بنابراین شورا از منظر طالبی نمایان‌گر ارزشی اخلاقی است که هرچند ممکن است امروزه به عللی کاربرد خوبی داشته باشد، مفهوم و خصوصیات آن را تنها در بررسی پدیدارشناختی آن می‌توان فهمید و نه به وسیله‌ی مقایسه (ی کاذب) آن با دموکراسی و بیان این‌که شورا در واقع همان دموکراسی است. «تحت هیچ شرایطی نمی‌توان شورا را عین دموکراسی قلمداد کرد.»^۳

به این دلیل که:

«دموکراسی حکومت اکثریت است، درحالی‌که در تحلیل شورا نشانی از اکثریت نیست؛ بلکه آنچه مطرح است مسئله‌ی مشورت است.»^۴

از دیگر موضوعات مورد توجه طالبی مسئله‌ی اختلاط دین و سیاست در اسلام، علی‌الخصوص در بین نهضت‌های اسلامی و نظریه‌پردازان اسلام‌گراست. به نظر می‌رسد که طالبی رابطه‌ی صحیح بین دین و سیاست را تنها در جامعه‌ای آزاد، کثرت‌گرا، و سکولار ممکن می‌داند؛ جامعه‌ای که در آن دین راستین (به لحاظ اخلاقی و معنوی) مجال حضور می‌یابد. بنابراین:

«وجود کثرت‌گرایی و حق مردم برای انتخاب سبک و شیوه‌ی زندگی، ما را به تعمیق ایمان دینی و نحوه‌ی آرایه‌ی آن ملزم می‌کند. برای رسیدن به اخلاص باید همین طریق را پیمود و از به‌کارگیری زور و اجبار یا تنبیه و مجازات اجتناب کرد. زندگی براساس معیارهای اسلامی که مقوی روح و مرضی خدا باشد، تنها با ایمان و تأدیب نفس حاصل می‌آید و آنچه مطلوب فرهنگ اسلامی است تلاش برای کسب این دو است و نه زورگویی و سرکوب.»^۵

در یک جامعه‌ی آزاد سیاست و دین می‌توانند

رابطه‌ی مناسبی داشته باشند؛ رابطه‌ای که امکان تکامل روحی و معنوی مسلمانان را فراهم می‌آورد. چنین جامعه‌ای از آن‌جا که غیرسیاسی است و به افراد امکان می‌دهد که آزادانه انتخاب کنند، اسلامی محسوب می‌شود. آزادی عقیده، تأدیب نفس، و آزادی وجدان، بنیادهای چنین جامعه‌ای را تشکیل می‌دهند.

اسلامی که طالبی به دنیای مدرن معرفی می‌کند، معنویت و اخلاقیاتی است که میراث جاودانه‌ی ادیان الهی در چارچوب دین اسلام است. بهترین نظم سیاسی، نظمی است که آزادی و انتخاب آزادانه‌ی افراد از طریقت اسلامی را امکان‌پذیر کند. شریعتی که حکومت اسلامی و نظریه‌پردازان جنبش‌های اسلامی به انحای گوناگون وضع می‌کنند، خود تا حد بسیاری محدود به زمان و مکان است و گذرا. در نتیجه بهترین طرح سیاسی برای اسلام، ارزش‌های عالی عام و مطلق است؛ نه هر سیستمی از قوانین یا هر نوعی از حکومت اسلامی.

اسلام سنتی و تفکر روشنفکری جدید

در این بخش به خلاصه‌ای از عقاید خاص طالبی در دو بستر تفکر اسلام سنتی و تفکر روشنفکری جدید اشاره می‌کنم. در بستر سنتی می‌توان طالبی را انعکاس‌دهنده‌ی گرایش‌های خاصی از تفسیر قرآن بر پایه‌ی شرایط تاریخی، نظریات عرفانی و صوفیانه و تئوری‌های اخلاقی معتزله دانست. طالبی برای تفسیر قرآن، از نگرش کلاسیک و بررسی علل تاریخی (اسباب النزول) سود می‌جوید. ممکن است استنباط طالبی از اسلام به مثابه‌ی ایمانی شخصی را بازتابی از افکار صوفیانه‌ی فردی چون المحاسبی، و برداشت وی از برابری معنوی همه‌ی ادیان، یا نمایان‌گر عقاید ابن عربی بدانیم. از دیگر سو نظرات طالبی در زمینه‌ی اخلاقیات و دریافت فطری انسان از خوبی و بدی هم، ممکن است انعکاسی از تفکر قاضی عبدالجبار و دیگر معتزلیان باشد. اما حتی اگر همه‌ی این عوامل (یا بعضی از آن‌ها) را بتوان در شکل‌دهی افکار طالبی مؤثر دانست، افکار او را نمی‌توان تنها به کمک این عوامل توضیح داد.

برای درک بیشتر افکار طالبی باید آن را در بستر تفکرات جدید اسلامی و غربی قرار داد. در بعد اسلامی می‌توان او را در زمره‌ی متفکران بزرگ "سنی" عصر حاضر دانست که در پی یافتن اسلام ناب هستند. اسلامی که به اعتقاد آنان می‌تواند در دنیای جدید تفکر انتقادی، تغییر ارزش‌ها، ازهم پاشیدن بنیادها و "دهکده‌ی جهانی"، اسلامی کارآمد را عرضه کند. اگرچه این متفکران دارای نگرش‌های

بسیار متفاوتی هستند و از اسلام‌گرایان گرفته تا لیبرال‌های جدید را در بر می‌گیرند، همه‌ی آن‌ها اندیشه‌ی خود را "اسلام ناب" می‌نامند. در بعد غربی نیز طالبی خود را مدیون اندیشه‌ی متکلم آلمانی، هانس کونگ^۶ و یادداشت‌های او در علم کلام و روابط بین‌الادیان می‌داند.^۷

بسیاری دیگر از عوامل مؤثر را نیز می‌توان در نظر گرفته، اما درعین حال باید خلاقیت طالبی را نیز مدنظر داشت. تأثیر عوامل خارجی بر تفکر او هراندازه که باشد، باز می‌توان کار او را کوششی بدیع و عمیق در تلفیق سنت و مدرنیته به حساب آورد.

ده‌ها مقاله و چندین کتاب، به زبان‌های عربی، انگلیسی و فرانسه، حاصل عمر هشتماد و اندی ساله‌ی طالبی است. از مقالات او که به زبان فارسی ترجمه شده است "اسلام و گفت‌وگو: تأملاتی درباره‌ی یکی از دغدغه‌های روزگار جدید"^۸ است که به همراه چند مقاله‌ی دیگر در کتابی با عنوان از برخورد تا گفت‌وگو، مقالاتی درباره‌ی مناسبات اسلام و مسیحیت به همت مؤسسه‌ی گفت‌وگوی ادیان و با ترجمه‌ی حمیدرضا شریعتمداری به چاپ رسیده است.

تعدادی دیگر از کتاب‌ها و مقالات طالبی عبارت اند از کتاب‌های:

1. L' Emirat Aghlabide purs, 1966
2. Un respect ttu, 1989
3. Reflexion sur le coran, 1989
4. Universalite du coran, 2002
5. Penseur libre en islam, 2002
6. Plaidoyer pour un islam moderne, 2005.

و مقالات:

1. Possibilities and conditions for a Better understanding between Islam and the west
2. Religious liberty: A Muslim perspective.

پی‌نوشت:

۱. محمد طالبی، عیال الله، صص ۸۹-۹۰
۲. پیشین، ص ۹۰
۳. پیشین، صص ۹۰-۹۱
۴. پیشین، ص ۹۱
۵. پیشین، ص ۱۱۳
6. Huns Kung.
۷. محمد طالبی، پیشین، صص ۱۵۲-۱۵۳
8. Islam and dialogue: Some reflections on a current topic.